

امنیت اجتماعی از منظر فقه اسلامی و حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

ابراهیم داودی^۱، داود پیرانی^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۸/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۱۳

از صفحه ۷۳ تا ۹۱

چکیده

زمینه و هدف: امنیت اجتماعی به عنوان یکی از حساس ترین و مهم ترین انواع امنیت، از عناصر اساسی حیات انسانهاست. تأمین امنیت اجتماعی از وظایف مهم نظامی سیاسی و دولت به حساب می آید. حوزه و گستره امنیت اجتماعی، بستگی به تصویری دارد که نظام سیاسی از دولت و ساختار و هدف خود می دهد. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی امنیت اجتماعی از منظر فقه اسلامی و حقوق اساسی است.

روش تحقیق: روش تحقیق پژوهش حاضر از نظر داده ها، کیفی از نوع تحلیل محتوا و از نظر اهداف، کاربردی است. منابع داده های پژوهش شامل کتب مطروح در زمینه قرآن، نهج البلاغه، بحارالانوار، غررالحکم و دررالکلم، صحیفه نور، المنجد فی اللغة، ایدئولوژی رهبری و فرایند انقلاب اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران و فقه اسلامی است.

نتایج تحقیق: نتایج تحقیق حاکی از آن است که امنیت اجتماعی متأثر از فقه اسلامی است و در حوزه های فرهنگی، اجتماعی نظامی و دفاعی براساس حقوق اساسی (قانون اساسی) تبیین می شود. همچنین نتایج نشان داد که بین دیدگاه فقه اسلامی با حقوق اساسی درخصوص امنیت اجتماعی تفاوتی وجود ندارد.

کلید واژه ها: امنیت اجتماعی، فقه اسلامی، حقوق اساسی، قانون اساسی، قرآن و روایات.

۱. عضو هیئت علمی و دانشجوی دکتری مدیریت پیشگیری از جرم دانشگاه علوم انتظامی امین -نویسنده مسئول.

davoodi57@chmail.ir

۲. کارشناس ارشد فقه و حقوق دانشگاه پیام نور بهشر.

مقدمه

امنیت در ابعاد مختلف آن، خاستگاه و زیربنای تمام امور است و در فقدان آن هیچ گونه فعالیت فردی یا گروهی دیگری در عرصه های مختلف صنعتی، فرهنگی، اجتماعی، هنری، اقتصادی، سیاسی و... انجام پذیر نخواهد بود. از همین رو است که تمامی اندیشمندان از آن به عنوان نخستین نیاز اجتماع یاد کرده و مسئولان را به تأمین «امنیت» توصیه کرده اند. جامعه کنونی ایران نیز از این قاعده مستثنا نبوده که البته به لطف کنترل غیررسمی در شعائر دینی، فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و حکومت مردم سالار واقعی و عدم وجود تباین، تضاد و فاصله بین مصالح و مطلوبیت های مردم و حکومت در طول سالیان اخیر، همواره از نعمت الهی امنیت برخوردار بوده است. جوامع پیشرفته امروزی برای حفظ این سرمایه و بهره گیری از آن برای ارتقای بهره وری، مشارکت سیاسی و اجتماعی و در نهایت بهبود سطح زندگی مردم، تلاش زیادی می کنند. اهمیت این مسئله تا جایی است که باید گفت؛ امنیت اجتماعی سرمایه های انسانی جامعه، در کانون توجه نظام های سیاسی قرار دارد. بنابراین باید اذعان نمود که یکی از مهمترین مؤلفه های زندگی بشری که وجود آن در هر جامعه ای، از ضروریات محسوب شده و بدون آن زندگی سعادتمندانه برای آحاد مردم امکان پذیر نیست، مسئله مهم و حیاتی امنیت است.

نیروی انتظامی به منظور ارتقاء امنیت اجتماعی اهدافی ازجمله افزایش احساس امنیت شهروندان، کاهش دامنه شیوع کجروی ها و آسیب های اجتماعی، افزایش رضایت شهروندان از ناجا، کاهش (پتانسیل) وقوع کنش های اعتراض آمیز، افزایش شأن، منزلت و اقتدار نیروی انتظامی، پاک سازی سیمای شهرهای کشور از کجروی ها و ناهنجاری ها، امر به معروف و نهی از منکر، افزایش روحیه نشاط و شادابی، انجام مأموریت ذاتی خود و فراهم نمودن زمینه رشد و بالندگی و پیشرفت فردی و جمعی را دنبال می کند. بنابراین مسئله ای که دغدغه محققان تحقیق حاضر است این است که امنیت اجتماعی از دو منظر فقه اسلامی و حقوق اساسی چه جایگاهی دارد و تا چه حد متأثر از مبانی فقه و حقوق اسلامی تدوین شده و دیدگاه فقه اسلامی با حقوق اساسی درخصوص موضوع امنیت اجتماعی چگونه است؟

اهداف پژوهش

- بررسی تأثیرپذیری امنیت اجتماعی از منظر فقه اسلامی.
- بررسی امنیت اجتماعی از منظر حقوق اساسی (قانون اساسی).
- مقایسه دیدگاه فقه اسلامی با حقوق اساسی در خصوص امنیت اجتماعی.

سؤال های پژوهش

- آیا امنیت اجتماعی با تأثیرپذیری از فقه اسلامی قابل تبیین است؟
- آیا امنیت اجتماعی براساس حقوق اساسی (قانون اساسی) قابل تبیین است؟
- آیا بین دیدگاه فقه اسلامی با حقوق اساسی درخصوص امنیت اجتماعی تفاوت وجود دارد؟

فرضیه های پژوهش

- امنیت اجتماعی با تأثیرپذیری از فقه اسلامی قابل تبیین است.
- امنیت اجتماعی براساس حقوق اساسی (قانون اساسی) قابل تبیین است.
- بین دیدگاه فقه اسلامی با حقوق اساسی درخصوص امنیت اجتماعی تفاوت وجود دارد.

پیشینه پژوهش

یزدانیان (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «جایگاه و قلمرو فقه و قرآن در حقوق موضوعه ایران» به بررسی استفاده از قرآن و فقه در تدوین مقررات پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که هیچ رژیم حقوقی نمی تواند خود را بی نیاز از مذهب و باورهای قلبی نماید و در حقوق ایران نیز قرآن و فقه در مرحله وضع، تفسیر و تکمیل قانون مهم ترین نقش را ایفا می کند، به نحوی که فهم و درک برخی از مواد حقوق ایران بدون تکیه بر فقه یا رجوع به قرآن میسر نیست.

آقابابایی (۱۳۹۰) در مقاله ای با عنوان «گفتمان فقهی و جرم انگاری در حوزه جرائم علیه امنیت ملت و دولت» به بررسی کارکرد گفتمان فقهی و بحث های دانشمندان مسلمان در جرم انگاری در حوزه جرائم علیه دولت و ملت پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که فهم عمومی فقیهان سلف از اهداف و مقاصد شریعت و تفسیر هوشیارانه و آگاهانه آنان از کتاب و سنت به عنوان اصول راهنمای دین، منجر به تدوین و استمرار گفتمان خاص و ویژه ای در باب حکومت و امنیت شده است. و همچنین علی رغم تلاشهای طاقت فرسای فقیهان سلف در بازتولید و ترویج مقررات و احکام خاص فقهی در موضوع تعامل با مخالفان سیاسی حکومت اسلامی، در دوران معاصر و در مواردی که به نام احیای شریعت یا اجرای احکام اسلام قوانین و مقرراتی تصویب و اجرا شده اند، احکام راجع به مجرمان سیاسی (باغیان) به صورت آگاهانه متروک شده اند و غالب کشورهای اسلامی در قوانین موضوعه خویش به جرم سیاسی و رفتار ارفاق آمیز با مجرمان سیاسی نپرداخته اند.

رودانی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله ای با عنوان «بهینگی اجرای طرح ارتقاء امنیت

اجتماعی در بوته نظرسنجی از ناحیه افکار عمومی» با بررسی افکار عمومی در خصوص اجرای طرح ارتقاء امنیت اجتماعی، میزان رضایت شهروندان تهرانی از اجرای طرح مذکور را مورد سنجش قرار دادند. نتایج این تحقیق نشان داد که پس از اجرای طرح ارتقاء امنیت اجتماعی، احساس رضایت مندی در افکار عمومی ایجاد شده است. همچنین عواملی چون توجه به تفاوت‌ها در ویژگی‌های قومیتی، نژادی و مذهبی، برخورد قاطع با رعایت انصاف، ادب و احترام، رعایت حریم خصوصی افراد، کاهش فعالیت‌های مجرمانه در منطقه پس از اجرای طرح و پاک‌سازی منطقه از معتادان، اراذل و اوباش پس از اجرای طرح و برقراری گشت‌های پیاده و سواره به ترتیب به عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر در ایجاد رضایت مندی افکار عمومی در نتیجه اجرای طرح ارتقاء امنیت اجتماعی بیان شدند.

حکیم (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «جرائم امنیت عمومی (محاربه)» به موضوع محاربه از دیدگاه فقه اسلامی و حقوق مربوطه پرداخته است. نتایج حاصل از جمع بین آیه و روایات یادشده نشان داد که موضوع حکم محارب کسی است که برای فسادآفرینی در زمین به تلاش برخیزد و این تلاش و کوشش با یک ویژگی و خصوصیتی همراه باشد تا بتوان عنوان «محاربه با خدا و رسولش» را از آن انتزاع کرد. مانند خصوصیت به کارگیری اسلحه به قصد افساد یا ترساندن مردم در شب با برداشتن اسلحه یا تهدید امنیت عمومی چون: دزدی، چپاول و غارت اموال، ترساندن رهگذران یا سایر مواردی که در روایات آمده و عنوان مزبور بر آنها صادق است.

مبانی نظری پژوهش

امنیت

در تعریف «لغوی» امنیت عبارت از «محافظت در مقابل خطر، احساس ایمنی و رهایی از تردید است.» (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۲) در «فرهنگ لغات» امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بدون بیم و هراس بودن آمده است. در مجموع می‌توان مفهوم «امنیت» را به مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت و در مورد افراد، به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع و به مخاطره نیفتادن این حقوق و آزادی‌ها، و مصون بودن از تهدید و خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیرمترقبه و در کل هر عاملی که آرامش انسان را از بین ببرد؛ تعریف نمود (وین جونز^۱، ۱۹۹۹: ۲۱۸).

1. Jones, Richard Weyn

امنیت اجتماعی

امنیت از نیازها و انگیزه‌های اساسی انسان به‌شمار می‌رود، به‌طوری‌که با زوال آن آرامش خاطر انسان از بین می‌رود و تشویش، اضطراب و ناآرامی جای آن را می‌گیرد. مرتفع شدن بسیاری از نیازهای آدمی در گرو تأمین امنیت است (کاهه، ۱۳۸۴، ۱۲). به نظر می‌رسد پس از تعریف امنیت فردی که همانا تعریف در معنای عام آن را شامل می‌شود، افراد برای تحقق و تحکیم امنیت و جایگاه خود ناگزیر از عضویت در اجتماعات یا گروه‌های مختلف اجتماعی هستند.

امنیت اجتماعی، نوع و سطحی از احساس اطمینان خاطر است که جامعه و گروه در آن نقش اساسی دارد. ویژگی مشخص این گونه امنیت آن است که جامعه مسئول به وجود آوردن آن است. به‌طوری‌که یکی از وظایف و اهداف جامعه، برقراری امنیت است. بنابراین امنیت اجتماعی عبارتست از آسودگی و آرامشی که جامعه برای اعضای خویش فراهم می‌کند. از این رومفهوم امنیت با دولت ارتباط بیشتری می‌یابد و فقدان امنیت برابر با فقدان اقتدار دولت مطرح می‌شود (بیلگین^۱، ۲۰۰۳: ۲۷). بنابراین می‌توان اذعان نمود که مفهوم امنیت به تدریج و با توسعه تمدن بشری تحول یافته است؛ به‌گونه‌ای که امنیت دیگر معادل تهدیدهای مرزی نیست، بلکه ابعاد تازه‌ای به خودگرفته و معنای روشن آن، حفظ مردم يك کشور و سرزمین در مقابل حملات و تهاجم است و به مفهوم دفاع هم به کار رفته و در معنایی وسیع‌تر بر حفظ منافع حیاتی، سیاسی و اقتصادی و فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های اساسی و حیاتی افراد يك جامعه اطلاق می‌شود.

بنابراین امنیت اجتماعی قلمرو وسیعی را در بر می‌گیرد. در واقع امنیت اجتماعی به معنای فضایی است که فرد در زمان حال و آینده تصویر روشن و امیدوار کننده‌ای از زندگی خود و جامعه اش دارد. این بعد از امنیت به کمیت جرایم، آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی در جامعه می‌پردازد که تغییرات در میزان آنها، امنیت جامعه را تغییر می‌دهد. مهم‌ترین شاخص‌های امنیت اجتماعی عبارتند از: میزان و نرخ وقوع جرایم و آشفتگی‌های اجتماعی در يك جامعه که نشان دهنده میزان امنیت عینی در آنجامعه است (ورسلی، ۱۳۷۸: ۶۵). آشفتگی‌های اجتماعی به مرحله بحرانی آسیب‌ها و جرایم اطلاق می‌شود که در این شرایط میزان و نرخ آسیب‌ها و جرایم از يك حد طبیعی فراتر رفته و به مرحله بحرانی رسیده باشد. شاخص دیگر امنیت اجتماعی، مهارت و توان عمل نیروهای امنیتی در مقابله با جرایم و ناامنی است. به هر اندازه‌ای که نیروهای امنیتی در سطح جامعه با تکیه بر سه اصل سرعت، دقت

و صحت بتوانند قدرت عمل خود را در مقابله با جرایم و ناهنجاری‌ها نشان دهند، زمینه برای گسترش ناامنی کاسته و فرآیند جرم در حیطه کنترل پلیس قرار می‌گیرد و فضا برای توسعه امنیت اجتماعی فراهم می‌گردد. از دیگر شاخص‌های مهم و مورد استفاده برای موضوع امنیت اجتماعی امید به آینده است. امیدواری به آینده خود محصول احساس امنیت از شرایط جامعه و احساس امنیت از شرایط خانوادگی است (رودانی، ۱۳۹۰، ۱۱). تأمین امنیت اجتماعی و مولفه‌های شاخص آن همچون انسجام گروهی، نظم عمومی، سلامت و مهارت افراد، امید به زندگی و امنیت هویت، نقش مهمی در بقاء و بالندگی ملت‌ها ایفا می‌نمایند (کاهه، ۱۳۸۴، ۱۲). امنیت اجتماعی ناظر بر تدارک سلامت افراد جامعه در مقابل اقدامات خشونت‌آمیز و رفع احساس عدم امنیت شهروندان است، امنیت اجتماعی در این مقاله به مفهوم جلوگیری از قانون شکنی به کار می‌رود. منظور از اجتماع امن، جامعه‌ای است که جرم و جنایت در آن کمترین آمار ممکن را دارد و عرصه اجتماع به دلیل وقوع جنایت، ناامن نیست. در فرهنگ سنتی ایران نیز، سرمایه‌های اجتماعی از قدرت زیادی برخوردار هستند بنابراین می‌توان از آنها در افزایش مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مردم در صحنه استفاده نمود. در این میان وجود امنیت در جامعه لازمه شکل‌گیری سرمایه اجتماعی است و ارتقاء امنیت اجتماعی چنانچه به صورت قانونی و با اقتدار لازم پیگیری شود می‌تواند به شکل‌گیری سرمایه‌های اجتماعی در جامعه کمک کند. بنابراین هدف اصلی امنیت اجتماعی، تولید و بسط سلامت جسمانی و روانی در حوزه امنیت جامعه به منظور ارتقاء سطح کیفیت زندگی است.

امنیت اجتماعی از نگاه قرآن و روایات

در آیه ۴ سورة مبارکه فتح خداوند فرموده است اوست خدایی که آرامش را بر دل‌های مؤمنان قرار داد تا بر یقین و ایمانش بیفزاید و سپاه زمین و آسمانها همه لشکر خداست و خداوند حکیم و داناست. دولت در اسلام برآیند نیازهای واقعی مردم بوده و برای اینکه اولویت یک وظیفه نسبت به سایر وظایف از نظر اسلام را احراز نمائیم باید به متون دینی مراجعه و از لابه لای آیات و روایات احتیاجات و مطالبات مردم را استخراج نمایند. از دیدگاه آیات و روایات امنیت از نعمت‌های بزرگ خداوند بوده و بر سایر نیازهای بشر اولویت دارد. بعد از بررسی امنیت اجتماعی از دیدگاه قرآن به بررسی اهمیت امنیت از نظر روایات پرداخته می‌شود. در روایت پیامبر (ص) آمده است: «نعمتان مکفورتان، الامن و العافیة؛ دو نعمت‌اند که قدر آنها شناخته نمی‌شود و کفران می‌گردند: امنیت و عافیت» (بحارالانوار، ۱۷۰/۸۱).

در فرهنگ علوی بر نعمت امنیت تأکید شده و امام (ع) فرموده است: «آنها



النَّاسِ، أَنَّهُ مِنْ اسْتَنْصَحَ اللَّهَ وَفَّقَ وَ مِنْ اتَّخَذَ قَوْلَهُ دَلِيلًا هَدَى لِّلنَّاسِ هِيَ اقْوَمُ فَإِنَّ جَارَ اللَّهِ آمِنٌ وَ عَدُوُّهُ خَائِفٌ؛ مردم! هر کس خدا را ناصح و خیرخواه خود قرار دهد، موفق می شود و هر کس قول او را دلیل و راهنما قرار دهد، به استوارترین راه هدایت خواهد شد. کسی که خود را در پناه خداوند قرار دهد، در امنیت و آرامش خواهد بود و هر کس دشمن خدا باشد، خائن است» (نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۱۴۷).

یا می فرماید: «یا بنی! اِنِّیْ اخاف علیک الفقر فاستعذ بالله منه فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّینِ، مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ، دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ؛ برای تو از فقر می ترسم. به خداوند از شر فقر پناه ببر، چون موجب کاهش دین، دهشت عقل، داعیه للمقت؛ شد» (نهج البلاغه صبحی صالح، حکمت ۲، ۳۱۹/۲۱۷). فقر یک عامل تهدیدکننده است، همان طور که جهل و بیماری خطر است.

در ابعاد دیگر حضرت می فرماید: «فَالْجَنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حَصُونُ الرِّعْيَةِ وَ زِينُ الْوَلَاةِ وَ عِزُّ الدِّینِ وَ سَبَلُ الْإِمْنِ وَ لَا تَقُومُ الرِّعْيَةُ إِلَّا بِهِمْ» (نهج البلاغه صبحی صالح، نامه ۵۳، ۲۱۱/۸).

حضرت (ع) در جایی دیگر می فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَا كَانَ مِمَّا تُنَافِسُهُ فِي سُلْطَانٍ وَ لَا التَّمَّاسُ شَيْءٌ مِنْ فَضُولِ الْحَطَامِ وَ لَكِنْ لِنَرْدِ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ وَ نَظْهِرِ الْإِصْلَاحِ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنُ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ؛ بار خدایا! تو می دانی جنگ و کشمکش ما به خاطر قدرت طلبی یا فزون خواهی ثروت دنیا نبود، بلکه برای آن است که نشانه های دین تو را بازگردانیم و اصلاح را در سرزمینهای تو حاکم کنیم تا بندگان مظلومت امنیت یابند و حدود تعطیل شده ات به اجرا در آید» (نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۲، ۱۳۱/۸۹).

پیامبر اعظم (ص) می فرمایند: وطنی که امنیت و شادی در آن نیست خیری در آن نیست. امیرالمؤمنین علی (ع) نیز در همین رابطه فرموده اند که: «لَا خَيْرَ فِي الْوَطَنِ الْأَمْعِ الْأَمْنِ وَ الْمَسْرَةِ» از مفاد این دو حدیث چنین بر می آید که سرور و مسرت فرع بر امنیت بوده و شادی بدون امنیت بی معنی است. مضافاً اینکه از دیدگاه معصومین وطنی دارای ارزش و خیر است که دارای امنیت باشد و اصولاً کشور ناامن مورد توجه هیچ کس قرار نمی گیرد و رو به نابودی است.

در روایات دیگر منسوب به پیامبر اعظم (ص) آمده است: نعمتان مکفورتان؛ الأمن و العافیه یعنی سپاس دو نعمت بجا آورده نشده و مورد ناسپاسی و ناشکری واقع شده اند، امنیت و عافیت.

همچنین حضرت علی (ع) فرمودند: نعمت در دنیا امنیت و سلامتی جسم است و تمام نعمت در دنیا و آخرت وارد شدن به بهشت است. که اهمیت امنیت را بیان

می نماید و اینکه در روایات معصومین (ع) امنیت در کنار سلامتی ذکر شده است بیانگر اهمیت و ضرورت وجود و تأمین آن و تأثیر آن در سایر شوون زندگی بشر می باشد» (نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۴).

در آیه ۸ شریفه سوره مبارکه تکوین خداوند فرموده است که پس در روز قیامت از نعمت ها از شما سؤال خواهد شد. حضرت امام صادق (ع) درباره این آیه فرمود: «مقصود از نعمت ها که در قیامت از انسان درباره آن سؤال می شود امنیت و سلامتی و ولایت حضرت علی (ع) است.» حضرت امام سجاد (ع) نیز در دعای مشهور خود فرموده اند که «خدایا مرا خوف و ناامنی ضعیف و ناتوان نکرده تا قدر امنیت را بدانم» همه این آیات و روایات و موارد مشابه دیگر تماماً بیانگر توجه اسلام به مسأله امنیت است (صحیفه سجادیه، ۱۴۵).

روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر از نظر داده ها، کیفی از نوع تحلیل محتوا و از نظر اهداف، کاربردی است. منابع داده های پژوهش شامل کلیه کتب مطرح شده در این زمینه شامل قرآن، نهج البلاغه، غررالحکم، بحارالانوار، دررالکلم، صحیفه نور، المنجد فی اللغة، ایدئولوژی رهبری و فرایند انقلاب اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران و فقه سیاسی است. درنهایت داده های تحقیق با استفاده از روش های تحلیل کیفی و تفسیری، تجزیه و تحلیل شدند.

یافته های تحقیق

فرضیه اول تحقیق: امنیت اجتماعی با تأثیرپذیری از فقه اسلامی قابل تبیین است.

آزمون فرضیه اول تحقیق به صورت زیر است:

الف- امنیت اجتماعی با تأثیرپذیری از فقه اسلامی قابل تبیین نیست.

ب- امنیت اجتماعی با تأثیرپذیری از فقه اسلامی قابل تبیین است.

نتایج آزمون فرضیه اول تحقیق

با عنایت به مجموع مطالب طرح شده در پژوهش حاضر می توان ادغان داشت که اهداف امنیت اجتماعی از جمله افزایش احساس امنیت شهروندان، کاهش دامنه شیوع کجروی ها و آسیب های اجتماعی، افزایش رضایت شهروندان از ناجا، کاهش (پتانسیل) وقوع کنش های اعتراض آمیز، افزایش شأن، منزلت و اقتدار نیروی انتظامی،



پاك سازی سیمای کشور از کج روی ها و نابهنجاری ها، امر به معروف و نهی از منکر، افزایش روحیه نشاط و شادابی، انجام مأموریت ذاتی خود و فراهم نمودن زمینه رشد و بالندگی و پیشرفت فردی و جمعی بسیار مشابه اهداف امنیت اجتماعی در فقه اسلامی است. همچنان که در این خصوص در فرهنگ قرآنی امنیت يك مفهوم وسیع، متوازن و عمیق دارد و شامل تمامی ابعاد زندگی و حوزه های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و امنیتی و داخلی و خارجی می شود و بر الگویی از امنیت تأکید می شود، که با اقتدار و انسجام و وحدت و ارتباط جامعه اسلامی و استحکام درونی جامعه پیوند دارد. همچنین یکی از مقولات جوهری و ریشه ای در تعریف حکومت و شاخصه های حکومت اسلامی و تشکیل دهنده ابعاد آن، مقوله امنیت، اعم از امنیت فردی و اجتماعی و داخلی و بین المللی است. حکومت بدون امنیت، حکومت نیست و یکی از اصلی ترین و اساسی ترین مقولات هر حکومتی، تأمین و برقراری امنیت برای مردم و دفاع از حقوق آنها است. امنیت سنگ زیربنای حیات فرد و جامعه است و پیش شرط هر گونه توسعه و رشد و رفاه و ارتقای مادی و معنوی به حساب می آید. در فرهنگ و معارف و فقه اسلامی، کتاب و باب مستقلی تحت عنوان امنیت تدوین نشده، اما به صورت گوناگون مباحث مربوط به ارتقای امنیت اجتماعی مطرح شده است، مانند:

۱. جهاد
۲. امر به معروف و نهی از منکر
۳. دفاع
۴. دفاع فردی و ملی و عمومی
۵. برقراری قسط و عدل
۶. قضاوت عادلانه
۷. اجرای حدود الهی
۸. برخورد با اشرار و محاربان و باغیان و مفسدان
۹. برخورد با عناصر شرور و اسلحه به دست که مردم را می ترسانند
۱۰. برخورد با دزدان و فتنه گران
۱۱. برخورد با جاسوسان
۱۲. عدم اجازه نفوذ دشمنان
۱۳. عدم سلطه بیگانگان و بیگانه پرستان
۱۴. رفع فقر و محرومیت
۱۵. برقراری روابط عادلانه بین المللی
۱۶. عدم استفاده از زور در روابط دوجانبه و چندجانبه.

بنابراین از مجموع مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت با توجه به اینکه یازده موضوع از شانزده موضوع مطرح شده در مورد امنیت اجتماعی در فقه مسائلی هم چون جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، دفاع، دفاع فردی و ملی و عمومی، اجرای حدود الهی، برخورد با اشرار و محارب‌ان و یاغیان و مفسدان و برخورد با عناصر شرور و اسلحه به دست که مردم را می‌ترسانند، برخورد با دزدان و فتنه گران و برخورد با جاسوسان می‌باشد می‌توان نتیجه گرفت که امنیت اجتماعی متأثر از فقه اسلامی است و در نتیجه فرض پذیرفته می‌شود.

فرضیه دوم تحقیق: امنیت اجتماعی براساس حقوق اساسی (قانون اساسی) قابل تبیین است.

آزمون فرضیه دوم تحقیق بصورت زیر است:

الف - امنیت اجتماعی براساس حقوق اساسی (قانون اساسی) قابل تبیین نیست.

ب - امنیت اجتماعی براساس حقوق اساسی (قانون اساسی) قابل تبیین است.

نتایج آزمون فرضیه دوم تحقیق

از مجموع مطالب ذکرشده در فصل دوم می‌توان بیان کرد که در قانون اساسی اهم مسائل مطرح شده در خصوص مسئله امنیت اجتماعی دارای زیرساخت‌هایی از جمله حقوقی، قضایی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اداری، نظامی و حقوقی است. امنیت اجتماعی به حوزه فرهنگی و اجتماعی و نظامی و دفاعی، از مجموع حوزه‌های بیان شده در قانون اساسی پرداخته است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به اینکه تنها حوزه‌های مطرح شده در امنیت اجتماعی؛ حوزه فرهنگی - اجتماعی و نظامی - دفاعی است و این حوزه‌ها مطابق با حوزه‌های مندرج در قانون اساسی است، می‌توان بیان داشت که امنیت اجتماعی در سه حوزه فرهنگی، اجتماعی نظامی و دفاعی براساس حقوق اساسی (قانون اساسی) قابل تبیین است و فرض ب پذیرفته می‌شود.

فرضیه سوم تحقیق: بین دیدگاه فقه اسلامی با حقوق اساسی درخصوص امنیت اجتماعی تفاوت وجود دارد.

آزمون فرضیه سوم تحقیق به صورت زیر است:

الف - بین دیدگاه فقه اسلامی با حقوق اساسی درخصوص امنیت اجتماعی تفاوت وجود ندارد.

ب - بین دیدگاه فقه اسلامی با حقوق اساسی درخصوص امنیت اجتماعی تفاوت وجود دارد.



نتایج آزمون فرضیه سوم تحقیق

از مجموع مطالب بیان شده در منابع پژوهش حاضر می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به عمده مسائل مطرح شده در فقه اسلامی در زمینه امنیت اجتماعی که مسائلی همچون جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، دفاع، دفاع فردی و ملی و عمومی که در حوزه نظامی و دفاعی قانون اساسی به آنها نیز اشاره شده و مسائلی مانند برقراری قسط و عدل و قضاوت عادلانه که در حوزه حقوقی و قضایی قانون اساسی به آنها اشاره شده و مسائلی مانند اجرای حدود الهی، برخورد با اشرار و محاربان و یاغیان و مفسدان و برخورد با عناصر شرور و اسلحه به دست که مردم را می‌ترسانند، برخورد با دزدان و فتنه‌گران، برخورد با جاسوسان، عدم اجازه نفوذ دشمنان، عدم سلطه بیگانگان و بیگانه‌پرستان که در حوزه فرهنگی و اجتماعی قانون اساسی به آنها اشاره شده و رفع فقر و محرومیت که در حوزه اقتصادی قانون اساسی به آن اشاره شده و برقراری روابط عادلانه بین‌المللی که در حوزه سیاسی قانون اساسی به آن اشاره شده، تمامی پنج حوزه‌ی مطرح شده در قانون اساسی را در برمی‌گیرد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت بین دیدگاه فقه اسلامی با حقوق اساسی در خصوص امنیت اجتماعی تفاوتی وجود ندارد و در نتیجه فرض ب پذیرفته می‌شود.

سایر یافته‌ها

عوامل مؤثر در امنیت اجتماعی از دیدگاه فقه اسلامی

امنیت با برآورده شدن جمیع حقوق مردم، نسبت برقرار می‌کند و این همان تعریف عدالت و عدالت واقعی در نظام اسلامی است. این نظام، نیروها را به هدر نمی‌دهد، هیچ عملی ضایع نمی‌ماند (آل عمران / ۱۹۵) به حساب ذره ذره آن رسیدگی می‌شود (زلزال / ۷ و ۸). این خود دلیلی است بر وجود عدل در نظام اسلامی. (مطهری، ۸، ۱۳۷۴/۸۴).

از نظر موازین اسلامی و تعالیم دینی، اجرای عدالت حتی در اختصاص دادن چیزی، هدیه‌ای (ر.ک: علامه حلی، ۱۵، ۱۴۰۹/۱۶۲؛ ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸: ص ۱۰۳)، دانه میوه‌ای و... به فرزند نیز مطرح است و بر آن تأکید شده است. در این حدیث عظیم، نکته تربیتی و سازنده دیگری وجود دارد و آن، رابطه ناگسستگی میان «تقوا» و «عدالت» است، چه عدالت خانوادگی، چه عدالت اجتماعی (آل عمران / ۱۳۰: آمدی، ۱۳۶۶: ۹۹ و مجلسی، ۱۴۰۴/۷۵/۲۳۲).

جایگاه حقوق موضوعه در امنیت اجتماعی

امنیت ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از جمله مهم ترین وظایف حکومت تلقی شده است. مقطع زمانی تأسیس و تصویب این قانون از لحاظ فضای بین المللی، دوران جنگ سرد و سیطره نگرش سستی جنگ محور به امنیت ملی بود. حتی پژوهش گرانی که در باب مبانی نظری و اخلاقی امنیت ملی - که تا حدودی رنگ دینی هم دارد - کار می کردند عمدتاً کارشان متمرکز بر کشف بنیادهای مذهبی، فلسفی و کلامی جنگ و امنیت در عرصه سیاست خارجی بود. بر این اساس طبیعی بود که نگرش راهبردی به مقوله امنیت ملی در قانون اساسی تبدیل به دغدغه اصلی شود.

«قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران براساس اصول و ظوابط اسلامی است» (مقدمه قانون اساسی، ۱۳۸۱، ۷/۴) که حکومت در آن «به خود سازمان می دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید» (همان، ۱۳) و «هدف از حکومت رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است تا و الی الله المصیر زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خدا گونگی انسان فراهم آید (تخلقبوا باخلاق الله) (همان، ۱۵) پس به طور کلی هدف اصلی حکومت در قانون اساسی رشد معنوی انسان به سوی آمال ترسیم شده از طرف اسلام است. ایدئولوژی انقلاب اسلامی تأثیر زیادی برگستره نظام سیاسی و دولت دارد. ایدئولوژی انقلاب اسلامی با تأکید بر عدالت اجتماعی و ضرورت کاهش شکاف طبقاتی و رسیدگی به زندگی مستضعفان، هم در قانون اساسی تبلور یافت و هم در عمل، زمینه لازم را برای افزایش تصدی فعالیت های اقتصادی توسط دولت فراهم آورد. این ایدئولوژی «با تأکید بر عدل و قسط اسلامی و اجرای سیاستهای مساوات گرایانه از قبیل دولتی سازی صنایع مادر و دولتی سازی سیستم بانکی کشور مصادره ها و توقیف اموال طبقات ثروتمند و وضع مالیات های تصاعدی و مالیات بر درآمد و ثروت و پرداخت یارانه های مصرفی» (کرباسیان، ۱۳۷۴، ۴۴) اقدامات وسیعی برای توزیع عادلانه تر درآمد از سوی دولت انجام گرفت.

با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران براساس نظریه «نهادگرایی»، در حوزه های متفاوت حقوقی و قضایی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اداری و نظامی اصول و حقوقی که به اجتماع و دولت جمهوری اسلامی مربوط می شود و جزء اهداف جامعه نظام سیاسی بوده و برای مردم و افراد جامعه و اجتماع امنیت بخش است و از آنجا که به جامعه و نظام سیاسی ارتباط پیدا می کند و در جمع و اجتماع



مطرح هستند و تأثیر دیگران بر آنها بیش از تأثیر خود فرد است در زیرمجموعه امنیت اجتماعی آورده شده که عبارت‌اند از:

حوزه حقوقی و قضایی

- مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان سبب امتیاز نخواهد بود (اصل نوزدهم).
- حقوق زن و مرد برابر و مساوی است (اصل بیستم).
- جان، مال، حقوق، حیثیت، مسکن و شغل اشخاص باید مصون از تعرض باشد (اصل بیست و دوم).
- تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض مواخذه قرار داد (آزادی عقاید) (اصل بیست و سوم).
- اصل بر برائت است و هیچ کسی از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر آنکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد (اصل سی و هفتم).
- گرفتن اقرار یا کسب اقرار با شکنجه ممنوع است (اصل سی و هشتم)
- هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده است ممنوع است (اصل سی و نهم).

حوزه اقتصادی

- دولت باید اقتصاد صحیح و عادلانه‌ای بر طبق ضوابط اسلامی جهت رفاه، رفع فقر و بر طرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه پی ریزی کند (اصل سوم، بند ۱۲).
- دولت باید تبعیضات ناروا را رفع کند و امکانات عادلانه برای همه ایجاد نماید (همان، بند ۱۳).
- دولت موظف است برای مردم شغل ایجاد کند و هر کسی هر شغلی خواست می‌تواند برگزیند (اصل بیست و هشتم و اصل چهل و سوم، بند ۲).
- هر فرد در خانواده ایرانی باید متناسب با نیاز خود مسکن داشته باشد (اصل سی و یکم و اصل چهل و سوم، بند ۱).
- اقتصاد بیگانه بر اقتصاد کشور نباید سلطه داشته باشد (همان، بند ۸).
- کشور باید خود کفا باشد (همان، بند ۹).
- اموال شخصی مردم محترم است (اصل چهل و هفتم).
- باید در بهره برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استانها و توزیع فعالیتهای اقتصادی در میان استانها و مناطق مختلف کشور تبعیض صورت

نگیرد (اصل چهل و ششم).

- دولت موظف است ثروتهایی که از راههای نامشروع به دست آمده اند را ضبط کند^۱ (اصل چهل و نهم).

حوزه فرهنگی و اجتماعی

- دولت باید محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان، تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی ایجاد کند (اصل سوم، بند یکم).
- دولت باید سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها را با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر بالا ببرد. (همان، بند دوم).
- دولت باید به تقویت روح، بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان پردازد. (همان، بند چهارم).
- دولت باید خودکفایی در علوم و فنون را تأمین کند (همان، بند سیزدهم).
- همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی ها باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری و قداست آن و استواری روابط خانوادگی برپایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. (اصل دهم).
- برای بیوگان و زنان سالخورده و بی پرست بیمه درست شود (اصل بیست و یکم، بند چهارم).
- باید زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن ایجاد شود (همان، بند یکم).
- برای نشریات و مطبوعات باید آزادی بیان وجود داشته باشد تا بتوانند آزادانه مطالب خود را بیان کنند (اصل بیست و چهارم).
- دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان، برای همه ملت تا پایان متوسطه فراهم سازد (اصل سی ام، اصل چهل و سوم، بند ۱ و اصل سوم بند سوم).
- دولت باید تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح فراهم کند (اصل سوم، بند سوم).

حوزه سیاسی و اداری

- استعمار و نفوذ خارجی باید طرد شود (اصل سوم، بند و پنجم).
- هرگونه استبداد، خودکامگی و انحصارطلبی باید محو گردد (همان، بند ششم).
- آزادیهای سیاسی و اجتماعی باید تأمین شود (همان، بند هفتم).

۱. در اصل قانون آمده: «دولت موظف است ثروت های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری ها و معاملات دولتی، فروش زمین های موات و مباحات اصلی، دایرکردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد...»

- عامه مردم باید در تعیین سرنوشت سیاسی خویش مشارکت داشته باشند (همان، بند هشتم).
- در نظام جمهوری اسلامی امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود و از راه انتخابات کشور اداره شود (اصل ششم).
- مردم نسبت به دولت وظیفه امر به معروف و نهی از منکر دارند (اصل هشتم).
- در نظام جمهوری اسلامی آزادی، استقلال و وحدت و تمامیت ارضی باید حفظ شود (اصل نهم).
- اقلیت‌های دینی می‌توانند مراسمات دینی خود را انجام دهند (اصل سیزدهم).
- احزاب، جمعیت دو انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند^۱ (آزادی احزاب) (اصل بیست و ششم).
- دولت باید نظام اداری صحیح ایجاد کند. (اصل سوم، بند دهم).

حوزه نظامی و دفاعی

- دولت باید بینه دفاع ملی را از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور را تقویت کند (همان، بند یازدهم).
- دولت باید خودکفایی را در امور نظامی تأمین کند (همان، بند سیزدهم).

نتیجه‌گیری پژوهش

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که یافته‌های تحقیق با یافته‌های تحقیق یزدانیان (۱۳۹۲)، آقابابایی (۱۳۹۰) و حکیم (۱۳۸۸) همسو است. در تحقیق یزدانیان، مشخص شده است که در حقوق ایران قرآن و فقه در مرحله وضع، تفسیر و تکمیل قانون مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کنند، به نحوی که فهم و درک برخی از مواد حقوق ایران بدون تکیه بر فقه یا رجوع به قرآن میسر نیست و این موضوع در تحقیق حاضر نیز تبیین شد. نتایج تحقیق آقابابایی نشان می‌دهد که فهم عمومی فقیهان سلف از اهداف و مقاصد شریعت و تفسیر هوشیارانه و آگاهانه آنان از کتاب و سنت به عنوان اصول راهنمای دین، منجر به تدوین و استمرار گفتمان خاص و ویژه‌ای در باب حکومت و امنیت شده است، که این موضوع با یافته‌های تحقیق حاضر همسو است.

براساس یافته‌های تحقیق حاضر، با توجه به اینکه یازده مسئله از شانزده مسئله طرح شده در مورد امنیت اجتماعی در فقه اسلامی مسائلی مانند جهاد، امر به معروف و

۱. در اصل ۲۶ آمده: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی یا انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی را نقض نکنند، هیچ‌کسی را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یک از آنها مجبور ساخت».

نهی از منکر، دفاع، دفاع فردی و ملی و عمومی، اجرای حدود الهی، برخورد با اشرار و محاربان و باغیان و مفسدان و برخورد با عناصر شرور و اسلحه به دست که مردم را می ترسانند، برخورد با دزدان و فتنه گران و برخورد با جاسوسان است و این موارد در امنیت اجتماعی نیز لحاظ شده است می توان نتیجه گرفت که امنیت اجتماعی متأثر از فقه اسلامی است. همچنین با توجه به حوزه های مطرح شده در امنیت اجتماعی از قبیل حوزه فرهنگی و اجتماعی و حوزه نظامی و دفاعی ملاحظه می شود که این طرح در هر سه حوزه مطابق با قانون اساسی است؛ بنابراین امنیت اجتماعی در حوزه های فرهنگی و اجتماعی و نظامی و دفاعی براساس حقوق اساسی (قانون اساسی) طراحی شده است. از طرفی تمام پنج حوزه مطرح در قانون اساسی در مسائل مطرح شده در امنیت اجتماعی همپوشانی داشته و این موضوع نشان از تشابه دیدگاه فقه اسلامی با حقوق اساسی درخصوص امنیت اجتماعی است.

پیشنهادهای تحقیق

بر اساس یافته های این تحقیق در راستای ارتقای امنیت اجتماعی با توجه به مباحث امنیت اجتماعی در فقه اسلامی و حقوق اساسی کشور موارد زیر پیشنهاد می شود:

پلیس به عنوان نیروی تأمین امنیت، می تواند با عملکرد مثبت خود و اعتمادسازی، ضمن پرداختن صحیح به وظائف خویش، از همدلی و همکاری مردم بهره جسته و در ماموریت های خویش با رویکرد جامعه محوری توانائی سازمان خود را چند برابر نماید؛ زیرا حضور و مشارکت مردم و افزایش اعتماد اجتماعی از الزامات حرفه ای عمل نمودن نیروهای امنیتی در جامعه امروز است. برای تحقق این امر باید اقدامات فرهنگ سازی و اجرای طرح ها و برنامه های اجرائی بدون نقص در دستور کار پلیس قرار گیرد.

تلاش پلیس در شکل دهی به نگرش های عمومی در جهت باورهای دینی منجر به افزایش توان نظارت غیررسمی و کاهش هزینه های نظارت رسمی پلیس خواهد شد. همچنین با توجه به گستردگی ماموریت های ناجا در حوزه های مختلف همچون پیشگیری از جرایم، کشف و مقابله با جرایم، مبارزه با مواد مخدر، امور راهنمایی و رانندگی و نظر به تاکید مسئولین امر مبنی بر لزوم افزایش رضایت مندی شهروندان از عملکرد سازمان و کارکنان ناجا، می طلبد، متولیان امر با فراهم نمودن بسترهای مورد نیاز و مشارکت تمامی سازمانها و ارگانهای دولتی و غیر دولتی همچون آموزش و پرورش، سازمان صدا و سیما، دستگاه قضاء، روحانیون، متولیان امور دینی و ... ضمن آموزش و آگاهسازی اقشار مختلف جامعه از محاسن مشارکت در امنیت اجتماعی و همچنین آشنایی با عواقب فرهنگی، قضائی و اجتماعی عدم وجود امنیت اجتماعی در

جامعه، نیاز به وجود پلیس جهت افزایش احساس امنیت در جامعه را کاهش و این مهم را از بدو تولد در خانواده و جامعه نهادینه و بدین طریق به شهر امن و آرمانی مد نظر دین مبین اسلام دست یافت. بدین معنا که اگر خانواده نقش تربیتی خود را از همان بدو تولد فرزندان، بخوبی ایفا نماید؛ یا اینکه آموزش و پرورش با انجام نیاز سنجی مناسب، دروسی را به دانش آموزان بیاموزد که بر قانون مداری و رعایت بایدها و نبایدها، مبتنی باشد و یا اینکه سازمان صدا و سیما با تهیه آثار فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و اخلاقی مناسب اثرگذاری مثبت خود را در نحوه رفتار و کردار شهروندان همچون رعایت حقوق یکدیگر، تسامح و بخشش در امور و انجام دهد، آنجاست که با این نوع نگرش و عملکرد، جرائمی چون سرقت، نزاع و درگیری، ایجاد مزاحمت و که منتج به از بین رفتن احساس امنیت اجتماعی در جامعه می گردند، کاهش یافته و میزان احساس رضایت و امنیت شهروندان افزایش خواهد یافت؛ باتوجه به تهدیدات و اقدامات خصمانه دشمنان قسم خورده، اصلح است که نیروی انتظامی با هدف گذاری و برنامه ریزی مناسب در مرزها و حوزه فناوری اطلاعات، با فراغ بال از قاچاق مواد مخدر و کالا، ورود تیم های تروریستی خرابکارانه، سرقت اطلاعات امنیتی و ... ممانعت تا بدین طریق اقدام به پاسداری از امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی کشور نماید. از طرفی لازم است در بحث آموزش کارکنان ناجا همچون سنوات گذشته و البته بصورت کیفی تر، اصولی همچون نحوه برخورد مناسب با شهروندان، استفاده از مأمورین با تجربه و پایور در طرحهای مختلف انتظامی - امنیتی، استفاده مناسب از ابزار تشویق برای کارکنان ساعی و تنبیه برای کارکنان سهل انگار، لزوم رعایت حقوق شهروندی، آشنایی کارکنان با قوانین و مقررات و ... اهتمام بیشتری ورزیده شود. البته نباید از این موضوع غافل شد که انجام اقدامات موصوف، نیازمند توجه بیشتر مسئولین دولتی، جهت تخصیص بودجه و امکانات کافی به نیروی انتظامی بوده و پر واضح است انجام اقداماتی که در راستای پیشگیری از جرائم و افزایش احساس امنیت اجتماعی در جامعه صورت می پذیرد نه تنها صرف هزینه نیست، بلکه سرمایه گذاری منتج به نتیجه مثبت در حوزه امنیت و آسایش شهروندان خواهد بود.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- صحیفه سجادیه
- اردکانی یزدی، قاضی بن محمد (۱۳۸۸) صحیفه سجادیه امام سجاد (علیه السلام)، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقرالعلوم (علیه السلام).
- آقابابایی، حسین (۱۳۹۰)، گفتمان فقهی و جرم انگاری در حوزه جرائم علیه امنیت ملت و دولت، فصلنامه فقه و حقوق، شماره ۵.
- آمدی، عبدالواحد (۱۳۳۴ش)، غرر الحکم و درر الکلم، چاپ دوم، قم، دارالکتاب الاسلامی.
- بوزان، باری، (۱۳۷۸). مردم، دولت ها و هراس. پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- حکیم، سید محمدباقر (۱۳۸۸). جرائم امنیت عمومی (محاربه)، فصلنامه فقه اهل بیت، شماره ۲۶
- حلی. ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن. (۱۳۷۷)، المختصر النافع. تهران. انتشارات الهام. چاپ اول. ۱۳۷۷.
- رضی، محمدبن حسین. (۱۴۲۴) نهج البلاغه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، شرح دکتر صبحی صالح قم: انتشارات موسسه دارالهجره
- رودانی امین، ریسی و انانی رضا، ناظر حضرت جعفر (۱۳۹۰). بهینگی اجرای طرح ارتقا امنیت اجتماعی در بوته نظرسنجی از ناحیه افکار عمومی (مطالعه موردی: منطقه ۱۶ شهرداری تهران در سال ۱۳۹۰)، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۷، صص ۹۷-۱۲۰.
- طوسی. محمد بن الحسن. (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الامیه. المکتبه المرتضویه. قم، انتشارات النشر الاسلامی، چاپ ۱. ۱۳۸۷ ه. ق. ج ۱.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۶۸)، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۷۳)، سیاست های مقایسه ای، تهران: انتشارات سمت.
- کاهه، احمد. (۱۳۸۴). مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، جلد ۱، تهران: انتشارات گلپونه.
- کرباسیان، علی اکبر. (۱۳۷۴). روند توزیع درآمد در ایران، فصلنامه ایران فردا، شماره ۱۷
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴) بحار الأنوار، جلد هشتاد و یکم، بیروت: انتشارات مؤسسه الوفاء.



- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۰)، سیری در نهج البلاغه. قم: انتشارات صدرا.
- معلوف، لویس، (۱۹۷۳م)، المنجد فی اللغة، تهران، انتشارات اسماعیلیان، افسست از روی دارالمشرق، بیروت، چاپ ۲۳.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه
- ورسلی، پیتر. (۱۳۷۸). نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه سعید معیدفر، تهران: انتشارات کیهان.
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۲)، جایگاه و قلمرو فقه و قرآن در حقوق موضوعه ایران، دوفصلنامه مدیریت دانش اسلامی.
- Jones, Richard W. (1999), Security, Strategy, and Critical Theory, London, Lynne Rienner Publications. pages 49-30.
- Bilgin, Pinar. (2003), Individual and Societal Dimensions of Security, Bilkent University Urkey, Department of International Relation, International Studies Review.5